

گفت‌وگو با استادان و محققان

* در سلمانی

- حیف، حیف از این سر نازنین که بارها و بارها زیر تیغ و قیچی تو دادم. اگر می‌دانستم طرفدار اون جناحی هیچ وقت به پای خود نمی‌آمدم زیر تیغ تو بنشینم.

* تقلب

- فهمیدی فلانی هم نامزد انتخاب شد؟
- فلانی که...
- تازه، اعلامیه‌هایش چند سانتیمتر هم از قانون درازتر بود. عکسش رو روی در و دیوار دیدم. پیرمرد توی این سن و سال و تقلب!
- نه بابا، آنها که اطلاعاتیه مجلس ترخیمش بود.

* خواستگاری

به نظر من این وصلت نمی‌تواند سر بگیرد. ما طرفدار این جناح هستیم و شما طرفدار آن جناح. ما تا روز آخر هم صبر کردیم بلکه این دو جناح با هم ائتلاف کنند و فهرست مشترکی بدهند اما نشد. خب، چه می‌شود کرد قسمت این بود.
- بله، هدف ما هم خوشبختی فرزندانمان است. اتفاقاً پسر ما هم می‌خواهد ادامه تحصیل بدهد. ان شاء الله انتخابات بعدی، بلکه فرجی شود.

* تبلیغات

- آقا بفرمایید، برگ تبلیغاتی آقای فلانی نامزد انتخابات
- یک روی کاغذ تبلیغ کرده یا دو رویش؟
- یک روی کاغذ ملاحظه بفرمایید مختصر، مفید و سلیقه
- پس بده
- چند تا؟
- هر چند تا دادی، اصلاً همه‌اش را بده.

ماجراهای آقا بیژن

رزیتا نعمتی

بعضی وقت‌ها ایام انتخابات، فرصتی می‌شه برای کشف استعدادها و نهفته بعضی افراد. مثلاً همین آقا بیژن، یک پا سیاست‌مداره. تا یک شب قبل از انتخابات، به شاگرد مغازه‌اش یاد می‌داد یواشکی روی عکس‌های تبلیغاتی آقای X با مژیک عینک رسم‌کنه و دکوراسیون چهره‌شو عوض کنه. گاهی هم از عکس نامزد مورد نظرش به عنوان ملافه استفاده می‌کرد، اما همین که نتیجه انتخابات معلوم شد و آقای X رای آورد، صبح سحر دور از چشم همه روی دیوار بیرون مغازه‌اش نوشت: «ما به آقای X رای می‌دهیم» و تا سال‌ها بعد هم اجازه نداد اونو پاک کنن.

چند سال پیش که آقا بیژن نامزد شده بود، یه روز صبح که از خونه بیرون اومدم، دیدم روی دیوارهای کوچه نوشته‌اند: «مرگ بر آقا بیژن». راستش تمام اون روز اهل محل کلی درباره آقا بیژن صحبت کردند و از اتفاق پیش آمده اظهار تأسف کردند. خودش هم چندین بار با فروتنی و مظلومیت از کوچه رد شد و اعتنایی به اطراف نکرد، ولی سرانجام ماجرا لو رفت و معلوم شد کار، کار خودش بوده! جل‌الخالق که برای شهرت، دست به چه کارهایی که نمی‌زن!

* برخی از مطالب این بخش، از کتاب همراه با انتخابات، کار مرکز پژوهش‌های صدا و سیما انتخاب شده است.

حکایت آن گره

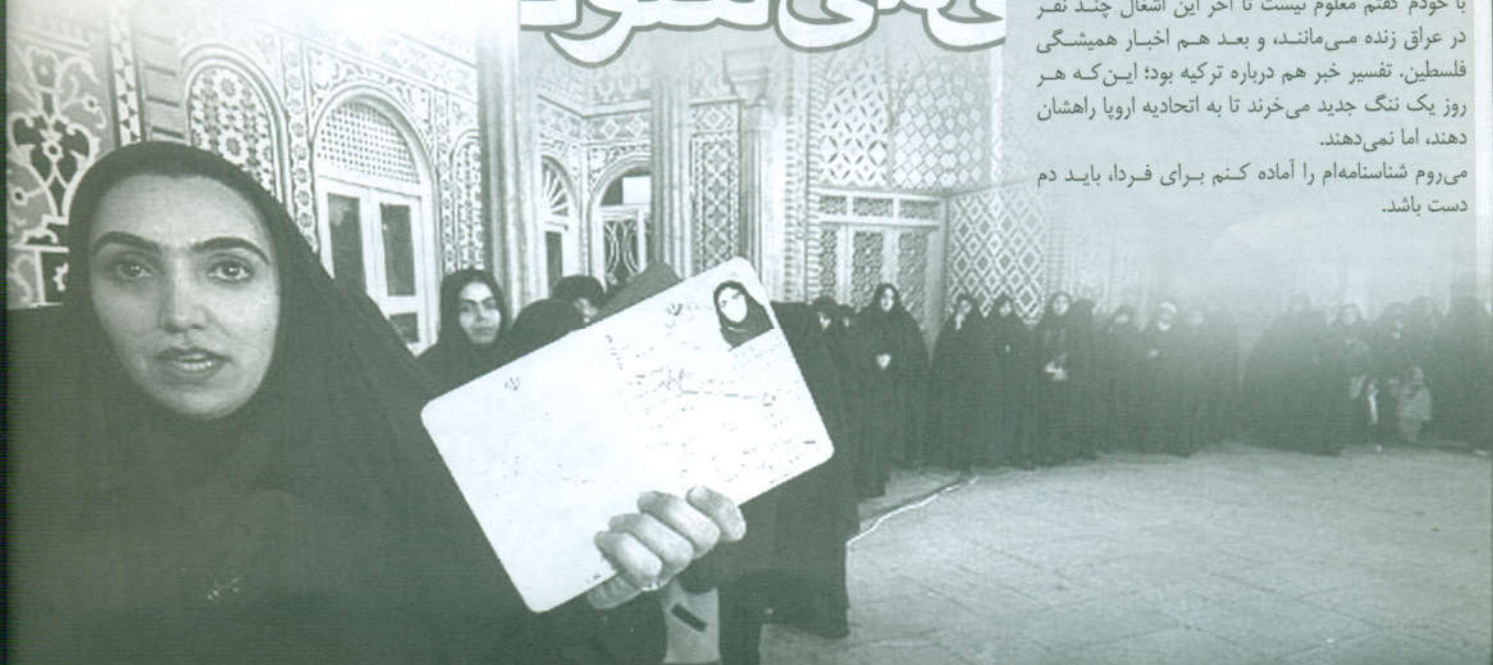
حکایت پیرمرد و پسرانش و قضیه آن شاخه‌ها که یکی یکی راحت می‌شکست، اما در کنار هم شکستی نبود، آن قدر تکرار شده که گفتن دوباره‌اش خسته کننده باشد؛ حتی نتیجه اخلاقی نخ‌نمای آن قصه یعنی اتحاد و باقی ماجرا هم نیازی به بازگویی دوباره ندارد، اما نه آن قدر که از حکمت این حکایت ریشه‌دار غفلت کنیم و بر امر مهمی مثل انتخابات از آن مدد نگیریم. داستان حرف‌ها و حق‌های ما، وقتی تنها باشیم مثل یک دست بی‌صداست. مثل همان شاخه‌های تنها؛ خرد و شکننده و بی‌تأثیر؛ اما وقتی قالب جمع بگیریم مثل مشت انگشت‌های یک دست مثل همان شاخه‌های در کنار هم است؛ استوار و محکم؛ درسی که از آن پیر با تدبیر گرفتیم. حالا ربط این حکایت و انتخابات، قصه بصیرت پیرمرد است و گرهی که به شاخه‌های تنها زد تا همگی یک دسته باشند؛ راسخ و متحد. انتخابات، مثل همان حلقه اتصال است؛ منتها میان حرف‌هایی که بیش‌ترین سهم را از هم‌دلی دارند؛ با یک تفاوت؛ در این تمثیل، شاخه‌های کم‌تر اگر می‌شکنند دست‌کم حضور و صدایشان را به گوش دیگران می‌رسانند.

انصاف

با عصبانیت گفتم: «برویم رای بدهیم که چه؟ کدام چیز توی مملکت ارزان شد که دلمان خوش باشد؟ و سعید با آرامش گفت: «ما که برای این چیزها شهید ندادیم از اول هم قرار نبود همه چیز ارزان شود. قرار بود آبرو و شرف ایرانی گران شود و دین قیمت پیدا کند»

گفتم: «سعید جان! کاری که ندارد امروز برو بقالی سرکوبه همه این‌ها را بریز توی کفه ترازو ببینم چند سیر پنیر می‌گیری؟»
و سعید فقط سر تکان داد و گفت: «خودمان و ارزش‌هایمان را حقیر نکن. خیلی چیزها توی این مملکت حسرت خیلی از کشورهاست؛ مثلاً...»
نگذاشتم حرفش را تمام کند گفتم: «بس کن دیگر، گوشم از این حرف‌ها پر است این دفعه من نیستم.»
شب، اخبار از عراق می‌گفت و از کشته‌های امروزش. با خودم گفتم معلوم نیست تا آخر این اشغال چند نفر در عراق زنده می‌مانند، و بعد هم اخبار همیشگی فلسطین، تفسیر خبر هم درباره ترکیه بود؛ این‌که هر روز یک تنگ جدید می‌خرند تا به اتحادیه اروپا راهشان دهند، اما نمی‌دهند.
می‌روم شناسنامه‌ام را آماده کنم برای فردا، باید دم دست باشد.

کشته‌ها آبرو می‌دهند



باز هم آزمونی دیگر و انتخابی نو، آری این بار هم به همت من و تو، حماسه دیگری شکل می گیرد. دستان من و تو می رود تا فردای بهتری را برای این سرزمین رقم بزند و ۲۴ اسفند ۸۶ زمان تجلی ایمان و اراده من و توست.

این روزها در بیش تر محافل و مجالس سخن از انتخابات است. هشتمین دوره انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی در راه است و کار ثبت نام کاندیداها به پایان رسیده در این بین برخی از کاندیداها تأیید صلاحیت و برخی رد صلاحیت شده اند. می توان امیدوار بود که این دوره، کاندیداهای اصلاح و شایسته ای خود را برای ورود به خانه ملت آماده می کنند، اما به راستی چه ضرورتی من و تو را پای صندوق های رأی می کشاند؟! و این آزمون که هر چهار سال تکرار می شود از چه اهمیتی برخوردار است؟

محمد مبارکی جوان ۲۳ ساله در پاسخ به پرسش های ما می گوید: به قول شاعر از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست، قطعا هدف همه ما از حضور در صحنه انتخابات انتخاب بهترین افراد برای نمایندگی در مجلس شورای اسلامی است؛ افرادی که به معنای واقعی چشم و گوش این ملت باشند و صدایشان را به مسئولان برسانند. برای رسیدن به این مهم باید کسانی را راهی مجلس کنیم که علاوه بر داشتن شرایط اولیه جهت احراز صلاحیت هم چون اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی ایران، التزام عملی به اسلام و قرآن و...، مردم دار و متعهد باشند و در اندیشه تحقق آرمان و آرزوهای هم وطنانشان گام بردارند.

مبارکی می افزاید: یک نماینده اصلاح از نظر مردم و جوانان، نماینده ای است که اهل شعار نباشد و یا اگر هم شعاری می دهد به آن عمل کند؛ مصداق این سخن، حدیث شگرفی است از مولا علی در نهج البلاغه که می فرماید: «نمی خروشیم و رعد و برقی نداریم مگر آن که بتازیم و انجام دهیم و سیلی را جاری نمی سازیم، مگر آن که باران بباریم.» پس چنین نماینده ای نمی خروشد و رعد و برقی ندارد، مگر این که چون باران بر زمین خواسته ها و مطالبات مردم ببارد.

اعظم محمدی نیز در مقام یک دانشجوی ۲۱ ساله با بیان این که نماینده مطلوب کسی است که در گام نخست از عهده پاسخ گویی به مردم برآید، تصریح می کند: به نظر من لازمه تحقق خواسته های مردم در گرو این است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر همه ارکان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه اشراف و آگاهی داشته باشند تا بتوانند تصمیمات مناسبی بگیرند.

وی مهم ترین مشکل کنونی جامعه را تورم و گرانی عنوان می کند و یادآور می شود: در این بین جوانان هم با مشکلات عدیده ای هم چون نبود مسکن، بیکاری، مشکلات ازدواج و... روبه رو هستند که حل این مشکلات عزمی جدی و اهتمامی خستگی ناپذیر می طلبد و هر کس از عهده حل این مشکل مردم بر نمی آید لذا انتخابات نمایندگان کارداران و متعهد و وظیفه تک تک ماست و رأی درست و سنجیده ما، خواسته هایمان را محقق می سازد.

نجه کاشفی جوان بیست ساله ای که موفقیت های بسیاری را در عرصه ورزشی کسب کرده است، با تأکید بر حضور خود در عرصه انتخابات می گوید: متأسفانه با

این که حضور در چنین انتخاباتی، وظیفه تلقی می شود اما اهمال و کم کاری برخی نمایندگان در دوره های قبلی، مردم و مخصوصا جوانان را از حضور در این عرصه دل سرد می سازد.

این بانوی ورزشکار خاطرنشان می کند: نمایندگان منتخب مردم باید از مشخصه هایی هم چون دین مداری، مدیریت و توان مندی، حق مداری و عدالت خواهی و در نهایت مهرورزی و رسیدگی به قشرهای گوناگون جامعه برخوردار باشند که در کنار این مشخصه ها، رسیدگی به امور جوانان هم از آن جهت که این قشر آینده سازان این مرزوبوم می باشند، باید در رأس برنامه های این نمایندگان قرار گیرد.

سید جواد حسینی یکی از جوانان کسبه نیز ضمن اظهار این که به رغم وجود برخی کاستی ها و کمبودها، حضور در انتخابات ضرورتی اجتناب ناپذیر است، می گوید: با وجود تلاش مسئولان و نمایندگان در دوره های قبلی مجلس، بسیاری از معضلات هم چون فقر، تورم، بیکاری و... هنوز به قوت خود باقی هستند که رفع این مشکلات باید گام های ما را برای رفتن به پای صندوق های رأی مهم تر سازد. از نظر این جوان، نماینده موفق و مطلوب کسی نیست که برای دوره اول یا همان چهار سال اول نمایندگی انتخاب می شود بلکه نماینده ای بلیط برنده را از آن خود می کند که برای دوره دوم و چهار سال بعدی به مجلس شورای اسلامی راه می یابد. به عبارت دیگر انتخاب یک فرد به عنوان نماینده برای دوره اول به منزله آزمون و یا محک است و انتخاب و تثبیت چنین فردی برای دور دوم یعنی پاسخ مثبت دادن به عمل کرد و سیاست های او.

از نظر سمانه حسن پور یکی از بانوان خانه دار هم داشتن قاطعیت و اقتدار، لازمه دیگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. وی معتقد است توجه به حق و حقوق زنان و ایجاد امکانات و رفاه اجتماعی، از جمله اصولی است که باید توسط منتخبان مردم، مورد توجه و اهتمام قرار گیرد. این بانوی خانه دار با اظهار این که حضور نیافتن مردم در انتخابات موجب شادی دشمنان اسلام و کج اندیشانی می شود، چنین آزمونی را نمود آزادی و اراده ملت معرفی می کند.

رحیم اعتمادی یکی از جوانان سرباز و متعهد به نظام هم با استناد به فرموده مقام معظم رهبری که انتخاب هوشمند و آگاهانه را باعث تداوم و سر بلندی انقلاب معرفی کرده اند، یادآور می شود: پاسداشت خون هزاران شهید در گرو خدمت صادقانه به مردم و پاسخ گویی به آنها است و نمایندگان و منتخبان مردم نباید از این اصول غافل شوند.

این سرباز وظیفه تصریح می کند: رسالی که اتحاد ملی و انسجام اسلامی نام گرفته، بستر سازی مناسب جهت ارتقا و افزایش اتحاد ملی و انسجام اسلامی، خشکاندن ریشه های تفرقه و نفاق و هدایت فرقه ها و مذاهب موجود در کشور، اصول و گزینه هایی هستند که باید سر لوحه امور نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گیرند.

آری بیان دیدگاه های مردم تأییدی بر این نکته است که این ملت فهیم هم چون گذشته در این دوره از انتخابات هم حضوری بی سابقه را به نمایش می گذارند و حماسه دیگری را خلق می کنند. اما این که چنین حضوری در دوره های بعد هم مثل گذشته اتفاق می افتد



در آستانه هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

در یک قدمی حماسه

الهام رضایی

یا نه، به عملکرد منتخبان مردم بستگی دارد. قطعا تحقق آرمان های این ملت، با اراده و همت این افراد میسر می گردد.
ان شاء الله